

## برای خانواده سبز توسلی!!

وقتی ابوذر را به خاطر حقگوئی و انتقاداتش از عملکرد حاکمیت زمان خود به صحرای سوزان "ربّذه" تبعید می کردند، امام علی<sup>(ع)</sup> که برخلاف دستور خلیفه به بدرقه ابوذر رفته بود، با این سخنان وداعش کرد:

ای ابوذر، تو برای (دفاع از حقوق بندگان) خدا خشمگین شدی. پس امیدوار کسی باش که به خاطر او خشمگین شده‌ای. آنها به خاطر دنیاشان (پست و مقامشان) از تو ترسیده‌اند، و تو به خاطر دینت (در صورت سکوت و بی تفاوتی) ... چقدر آنها نیازمند چیزی هستند که از آن منعشان می کنی و چقدر تو بی نیازی از آن چه محرومت می کنند. به زودی معلوم می شود کدامیک سود برده‌اید.

چند روز قبل، مادر و پدر "لیلا توسلی"، دختر یک ماهه عروس خود را که به خاطر اطلاع رسانی تلفنی از جنایت مأموران نیروی انتظامی در زیر کردن یک جوان و رد شدن مجدد از پیکر او، به دو سال زندان محکوم شده بود، تا دروازه زندان اوین بدرقه کردند و به خدا سپردند!

به غیر از خود مهندس توسلی که به خانه دوم خود، دانشگاه اوین! دائماً در رفت و آمد و با سلول‌هایش مأنوس است، لیلا چهارمین عضو خانواده است که به زندان می رود، قبل از او خواهرش دکتر سارا توسلی و همسر سارا، مهندس فرید طاهری به جرم شرکت در راه پیمائی روز عاشورا به ۵ سال و سه سال زندان و تعزیر با شلاق محکوم شده بودند!

از پیامبر اسلام نقل شده است که: مؤمن به قدر ایمانش بلا می بیند، هر که ایمانش بیش، دردش بیشتر!!

وقتی درد ابتلاء دامن دل‌بندان را می گیرد، ابراهیمیان آرزو می کنند کاش هزاران بار خود جای اسمعیل بودند!! شکر خدا که صبر و سلم اسمعیل شکیبائی می آورد و انتظار صبح، تحمل شب را آسان می سازد.

اصطلاحی است که: " هنگام صبح شب روان ستوده میگردند " فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يُحْمَدُ قَوْمُ السَّرَى "

شرمنده ما که جز اشک و آهی از درد و دعائی از سوز دل دستی بر رفع ستم نداریم

در آستانه محرم، یاد حسین<sup>(ع)</sup> و اهل بیت اسیرش آرام بخش جان‌های مجروح و مرهم دل‌های پاک شما پدر و مادر عزیز؛ پیروان راستین امروزی آن امام<sup>(ع)</sup> باد.

هرزمانم غرقه میکنم من خوشم      حکم تو جان است چون جان می کشم  
ننگرم کس را و گره بنگرم      او بهانه باشد و تو منظرم  
عاشق صنع توام در شکر و صبر      تعاشق مصنوع کی باشم چو گبر

دست حفظ و حمایت حق به همراهش و سایه رحمت ربّ در این سفر سخت و سیر ثواب بر سرش.

برای مهربان مادرش، همان دعای استواری و استحکام دل را که خدا به مادر موسی هنگامی که او را در صندوقی به امر خدا به امواج خروشان نیل می افکند آرزو می کند: "وربطنا علی قلبها لتکون من المومنین" و این شعر پروین را یادآور می شوم::

امادر موسی چو موسی را به نیل	درفکنند از گفته رب جلیل
خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه	گفت کای فرزند خرد بی گناه
گر فراموشت کند لطف خدای	چون رهی زین کشتی بی ناخدای؟
وحی آمد این چه فکر باطل است؟	رهرو ما اینک اندر منزل است
ما گرفتیم آنچه را انداختی	دست حق را دیدی و نشناختی؟
سطح آب از گاهوارش خوشتر است	دایه اش سیلاب و موجش مادراست
رودها از خود نه طغیان می کنند	آنچه گوئیم ما، آن می کنند
کی تو از ما دوست تر می داریش	به که برگردی به ما بسپاریش